

ابعاد شرط غیرمنصفانه در قانون تجارت الکترونیک

ایرج محمدی^۱، شاپور نیک اندام^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۰۵

تاریخ وصول: ۱۳۹۷/۰۷/۰۳

چکیده

در قوانین کشورهای اروپایی بر مبنای حمایت از مصرف‌کنندگان با شروط غیرمنصفانه قراردادی از طریق قوانین خاص مبارزه می‌شود. در حقوق داخلی، خلأ چنین مقرراتی کاملاً مشهود است. لذا پژوهش حاضر با هدف شناسایی ابعاد شرط غیرمنصفانه در قانون تجارت الکترونیک و با استفاده از روش اسنادی کتابخانه‌ای انجام پذیرفته است. بنابراین شرط غیرمنصفانه تا قبل از تصویب قانون تجارت الکترونیک در نظام حقوقی ایران شناخته شده نبود. ولی از آنجایی که شرط غیرمنصفانه در مصوبه آنسیترا^۱ به صراحت ذکر شده است و قانونگذار ما قانون تجارت الکترونیک را از آنسیترا^۱ اقتباس نموده، بدون توجه به آثاری که ممکن است در نظام حقوقی ایجاد کند این شرط را در ماده ۶۶ قانون تجارت الکترونیک به این نحو بیان داشته است «استفاده از شروط قراردادی خلاف مقررات این فصل و همچنین اعمال شروط غیرمنصفانه به ضرر مصرف‌کننده، موثر نیست». این در حالی است که این شرط در دادگاه‌های ما مفهومی ندارد، ولی در نظام کامن‌لا و دادگاه‌ها به این موارد غالباً رأی می‌دهند و قرارداد تحمیلی را تعدیل یا باطل می‌کنند.

واژگان کلیدی: شرط، غیرمنصفانه، قرارداد، تجارت الکترونیک

^۱. کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه cina.mohamadi@gmail.com

^۲. عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه

مقدمه

در تعبیری ساده و ابتدایی از شرط غیرمنصفانه می‌توان تشخیص را به «عرف» واگذار کرد و شرط غیرمنصفانه را شرطی دانست که «وجدان» نوعی انسان هیچ‌گاه آن را قبول نمی‌کند، اما تکیه بر این مفاهیم ساده بیشتر ابهام‌آفرینی می‌کند. آن چه در رابطه با شرط غیرمنصفانه حائز اهمیت است و باید همواره نصب‌العین قرار گیرد این است که ما در رابطه‌ای حقوقی و از جنس خصوصی آن بحث می‌کنیم. لذا عوامل زیادی از مباحث مربوط به کلیات قراردادها را باید در نظر داشت. به عبارت دیگر، همیشه یک بند و شرط در قرارداد به خودی خود غیرمنصفانه به حساب نمی‌آید، بلکه با توجه به جمیع اوضاع و احوال می‌تواند آثار غیرمنصفانه به همراه داشته باشد. هم‌چنان که در ماده «۴۱۸» قانون مدنی راجع به غبن، توجه به سایر شرایط معامله نیز مورد توجه قرار گرفته است. به‌طور کلی، باید مواردی همچون ماهیت کالا و خدمات، سایر شروط قرارداد، قراردادهای قبلی و عرف و عادات مربوط را مدنظر قرار داد. در ماده «۳» دستورالعمل اروپایی (93/13/EEC) شرط غیرمنصفانه، شرطی است که باید به‌طور مشخص مورد مذاکره قرار نگرفته باشد. یعنی این شرط از قبل توسط عرضه‌کننده یا فروشنده تهیه شده و به مصرف‌کننده ارائه شده است و وی نمی‌توانسته تغییری در شروط به وجود آورد؛ زیرا شرط در یک «قرارداد استاندارد» قرار داشته است (شیروی، ۱۳۸۱: ۸). بنابراین، ماده ۴۶ قانون تجارت الکترونیک استفاده از شروط غیرمنصفانه را در قرارداد غیر مؤثر اعلام می‌کند. در رابطه با ماهیت شروط غیرمنصفانه که در این قانون بیان شده است، اختلاف نظر بسیار است، چون در رابطه با مفهوم انصاف، اصل پذیرش انصاف از سوی قضات در حوزه قراردادها در حقوق ایران بین حقوقدانان اتفاق

نظر نیست. با توجه به اینکه قانون تجارت الکترونیک ایران کاملاً برگرفته از قانون نمونه آنسیترال می‌باشد و در ایران مسبوق به سابقه نیست، برای تفسیر نقاط مبهم آن نمی‌توان معانی اصطلاحات را در حقوق این کشورها نادیده گرفت چرا که از شروط غیرعادلانه صحبت می‌کند ولی تعریف و معیاری از این قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان مصوب ۱۳۸۸ نیز در بند ۵ شروط ارائه نمی‌دهد. مصوبه آنسیترال در این زمینه به اقداماتی همانند تصویب کنوانسیون‌های بین‌المللی و ارائه قانون‌های نمونه می‌پردازد، از جمله این قانون‌ها می‌توان به قانون داوری تجاری بین‌المللی و قانون تجارت الکترونیک اشاره کرد. هدف آنسیترال این است که کشورها با پذیرش این قانون‌ها و تصویب آنها در نظام قانونگذاری خود، از تعارض قوانین در عرصه‌ی تجارت بین‌الملل بکاهند. در تفسیر این قانون همیشه باید به خصوصیت بین‌المللی، ضرورت توسعه هماهنگی بین کشورها توجه کرد (کاتوزیان، ۱۳۸۴).

ماهیت شرط غیرمنصفانه در حقوق ایران: شرط غیرمنصفانه تا قبل از تصویب قانون تجارت الکترونیک در نظام حقوقی ایران شناخته شده نبود ولی از آنجایی که شرط غیرمنصفانه در آنسیترال به صراحت ذکر شده است و قانونگذار ما قانون تجارت الکترونیک را از آنسیترال اقتباس نموده، بدون توجه به آثاری که ممکن است در نظام حقوقی ایجاد کند این شرط را در ماده ۴۶ قانون تجارت الکترونیک به این نحو بیان داشته است: «استفاده از شروط قراردادی خلاف مقررات این فصل و همچنین اعمال شروط غیرمنصفانه به ضرر مصرف‌کننده، موثر نیست.» این در حالی است که این شرط در دادگاه‌های ما مفهومی ندارد ولی در نظام کامن لاء، دادگاه‌ها به این موارد غالباً رای می‌دهند و قرارداد تحمیلی را تعدیل یا باطل می‌کنند (منافی، ۱۳۸۰).

ملاک شرط غیرمنصفانه عدل و انصاف: برخی از حقوقدانان مانند دکتر کاتوزیان معتقدند که قاعده عدل و انصاف اقتضا می‌کند در موارد سوءاستفاده، ذی‌نفع حق مراجعه به دادگاه برای رفع این بی‌عدالتی را داشته باشد. به عبارت دیگر نباید گفت که این معامله غیر منصفانه نافذ است و کسی که این همه خسارت دیده است، باید برخلاف موازین عدل و انصاف، آن را تحمل کند. به نظر این عده از حقوق‌دانان، کسانی که برای تحمل این بی‌عدالتی به آیه «اوفوا بالعقود» توسل می‌جویند و طرفین عقد را مکلف به وفای به قرارداد می‌دانند، غفلت از آیه دیگر کرده‌اند که گفته است: «ان الله یأمر بالعدل و الاحسان» خداوند هم چنان که امر می‌کند طرفین یک قرارداد پایبند عقد باشند، همچنین امر می‌کند که در همان قرارداد پایبند عدل و احسان باشند نه اینکه عقود ولو اینکه ظالمانه هم باشد پایبند آن باشند. البته، هرچند در حقوق ما قاعده عدل و انصاف به عنوان یک منبع مستقل برای احکام حقوقی مطرح نشده است، ولی بسیاری از قوانین، مبتنی بر این قاعده می‌باشد؛ یعنی روح کلی این قاعده در سرتاسر مسایل حقوقی حکم فرما است. حضرت علی(ع) در نامه خود به مالک اشتر می‌فرماید «معاملات باید سهل و آسان و مطابق با موازین عدل و انصاف صورت گیرد و قیمت‌ها باید به گونه‌ای باشد که به هیچ‌یک از فروشنده و خریدار ستم و اجحافی روا نگردد». برخی از محققین این کلام را دلیل صریح برای جواز قیمت‌گذاری در موارد اجحاف دانسته و آن را از احکام اولیه اسلام می‌شمارند (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۹۰).

غبن فاحش: عده‌ای دیگر از حقوقدانان معتقدند که شخص متضرر که از وضعیت او بهره برداری ناروا شده و مورد غبن فاحش قرار گرفته برای جبران خسارت خود، حق دارد معامله را به استناد خیار غبن فسخ کند: در نظام فقهی و حقوقی ایران در صورتی که به مضطر ظلم فاحشی شود، مثلاً کالای او را با تفاوت فاحش

خریداری کند یا با توجه به وضعیت اضطراری او، کالایی را به دو برابر قیمت به او بفروشد، در این موارد شکی وجود ندارد که این معامله حرام و نامشروع است و مشمول عمومات حرمت ظلم و عدوان می‌گردد.

ضابطه نوعی ماده ۴۶ قانون تجارت: در رابطه با ضابطه نوعی در حقوق فرانسه قانون مصرف فرانسه مصوب ۱۰ ژانویه ۱۹۷۸ قانون شروط غیرمنصفانه قراردادی ۹۳ شورای اروپا / مصوب ۱۹۷۷ و نیز مقررات ناظر به شروط غیرمنصفانه قراردادی مصوب ۱۹۹۹ در جهت اجرای دستورالعمل مصوب ۱۹۹۳ مقررات مفصلی وجود دارد. در واقع، مجموعه‌ای از شروطی که می‌تواند در همه‌ی حالات به صورت غیرمنصفانه تلقی شود، تهیه شده است و در هر مورد دادرس در این خصوص به تطبیق موضوع با این لیست می‌پردازد و با توجه به اینکه روح حاکم بر قراردادهای الکترونیکی، جنبه فراملی دارد می‌توان از مقررات مذکور نیز برای دریافت ضابطه نوعی بهره برد. علت برگزیدن ملاک نوعی در تعیین مصادیق شروط غیرمنصفانه در اکثر قوانین، مصون ساختن مفهوم انصاف از برداشت شخصی و جلوگیری از ذهنی شدن آن می‌باشد؛ بدین توضیح که اگر بخواهیم با توجه به وضعیت اشخاص مختلف در شرایط مختلف در مورد غیرمنصفانه بودن شروط حکم کنیم، از ضرورت نظم و استحکام معاملات غافل بوده‌ایم و از این طریق در بنیان عقود و قراردادهای خصوصی طرفین تزلزل ایجاد خواهد شد؛ چه بسا در قراردادهای مختلفی که از سوی اشخاص مختلف منعقد می‌شود، همیشه برای طرفین این بیم وجود داشته باشد که به دلایل شخصی حاکم بر وضعیت یکی از طرفین که از قاعده‌ی مشخصی نیز پیروی نمی‌کند این قرارداد از استحکام لازم برخوردار نباشد و در شرایط گوناگون قراردادهای متفاوت که به اتکاء آن، اعمال حقوقی دیگر نیز واقع شده است، در دادگاه‌ها مورد بازبینی قرار

گیرد و از طریق ابطال قرارداد منشاء، یک سلسله از اعمال حقوقی که هرگز احتمال تزلزل در آن نمی‌رفت، از هم گسیخته شود. شروط غیرمنصفانه‌ای شروطی نامیده می‌شود که در واقع مبین قصد مشترک طرفین نیستند، چرا که فقط منافع یک طرف را تأمین می‌کنند و به طرف دیگر لطمه می‌زنند و از آنجایی که اجرای آنها مغایر با انصاف و عدالت است باید از اجرای آنها امتناع نمود.

قابلیت تسری به سایر عقود در ماده ۴۶ قانون تجارت الکترونیک: پس از گذشت سالیان سال، در حقوق نظام‌های مختلف حقوق خصوصی، تحولات بسیاری روی داده است و این موضوع که البته درجه دخالت مقننین و لزوم مداخله قانونگذار در قراردادهای خصوصی جای خود را به طرفین داده است، عین عدالت است. دولت‌های حاکم، بسته به نظام حقوقی موجود در آن کشور متفاوت بوده است. حال باید دید شروط غیرمنصفانه مذکور در ماده ۴۶ قانون تجارت الکترونیک قابلیت تسری به سایر قراردادها نیز دارد یا خیر. در حقوق کشورهای مختلف در رابطه با طریقه‌ی برخورد با شروط قراردادی ۲ دیدگاه عمده دیده می‌شود:

گروهی از کشورها شروط قراردادی را بدون هیچ‌گونه شرط و محدودیتی قابل اجرا می‌باشد. برخی دیگر از نظام‌های حقوقی، ضمن پذیرش صحت شروط قراردادی محل بحث، برای قاضی اختیار تعدیل شروط را قائل شده‌اند در حقوق ایران ماده ۱۰ قانون مدنی وجود دارد که هم ریشه فقهی دارد و هم مدونین قانون مدنی در جریان تصویب آن به حقوق خصوصی روز اروپا نظر داشته‌اند. بر اساس این ماده، قرارداد طرفین به جز در چند حالت استثنایی، صحیح بوده و فی مابین طرفین آن لازم‌الرعايه می‌باشد. در خصوص قابلیت تسری ضمانت اجرای شروط غیرمنصفانه در تمام قراردادها مبانی‌ای مطرح شده که به صورت مختصر به بررسی

این مبانی می‌پردازیم و در نتیجه‌گیری، مبنای متناسب با نظام حقوقی ایران را بیان خواهیم کرد. البته نمی‌توان منصفانه و عادلانه را دقیقاً به یک معنا پنداشت و در خصوص تفاوت این دو واژه در مبحث مربوط به واژه‌شناسی انصاف سخن گفتیم، اما در وضعیت حقوقی می‌توان با اندک مسامحه این دو را واجد یک منظور دانست (منافی، ۱۳۸۲).

سوءاستفاده از حق: این اعتقاد وجود دارد که سوءاستفاده از حق در مواردی روی می‌دهد که حقی به طور قانونی وجود داشته باشد و در طبیعت و ذات این حق امکان سوء استفاده وجود داشته باشد؛ مانند حق فسخ قرارداد و اعتصاب. در این موارد یک حق قانونی و ذاتی وجود دارد و در درون این حق امکان سوءاستفاده نیز به‌طور طبیعی وجود دارد؛ یعنی می‌توان مواردی را به‌خاطر آورد که در کنار استفاده‌ی قانونی از این حق امکان استفاده‌ی ناشایست نیز وجود دارد و سوءاستفاده از حق در فقه امامیه قلمرو وسیعی دارد و مورد اعمال آن تقریباً تمام ابواب فقه اعم از عبادات و معاملات است. اما در میان فقهای ما ملاک و مبنایی به عنوان سوءاستفاده از حق وجود ندارد، بلکه ملاک آنها ضرری است که از اعمال ناروای حق به دیگری وارد می‌شود، بنابراین در فقه ما با توجه به ضرری که به فرد وارد می‌شود، ضابطه‌ی سوء استفاده از حق نیز متفاوت خواهد بود. به تبعیت از فقه امامیه در حقوق موضوعه‌ی ایران نیز ما با متونی برخورد می‌کنیم که متعرض موضوع منع سوءاستفاده از حق در برابر دیگران شده است، اصل ۴۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ماده‌ی ۴۰ قانون مدنی سوء استفاده از حق را تحت شرایطی ممنوع اعلام کرده است.

بنا بر اصل حاکمیت اراده، طرفین یک قرارداد آزادند در تعیین اوصاف، نتایج و طرف قرارداد خود به هر نحو، یعنی هم موضوع عقد و شروط ضمن آن را

می‌توانند به گونه‌ای تنظیم نمایند که مطلوب آنهاست و در این راه هر کس به دنبال دستیابی به سود بیشتر و ضرر کمتر است؛ این وضعیت در عقودی که طرفین آن در وضعیتی نابرابر قرار دارند به مراتب بیشتر از سایر عقود است، طرفی که از موقعیت اقتصادی برتری در قرارداد برخوردار است، عقد را به گونه‌ای تنظیم و تحمیل می‌نماید که طرف مقابل قدرت و توان مخالفت با آن را نخواهد داشت. در این‌گونه موارد که شرطی غیرمنصفانه در یک قرارداد درج می‌گردد - یک طرف از حاکمیت اراده‌ی خود که یک حق برای ایشان است، در جهت سوءاستفاده می‌کند که منافع بیشتری را برای خود فراهم نماید و از طرفی دیگر، نتیجه‌ی این سوءاستفاده از حق، تحت فشار قرار گرفتن طرف ضعیف‌تر قرارداد است که به علت شرایط اجتماعی مجبور به پذیرش چنین شرطی غیرمنصفانه است و در نتیجه‌ی آن ضرری ناروا به فرد وارد می‌شود (الهیان، ۱۳۹۱).

آزادی قراردادی و حاکمیت اراده: اصل آزادی قراردادها نه تنها هرگونه دخالت در اراده طرفین را نهی می‌کند، بلکه ورود به این حوزه و تحدید آن را بدون توجیه نمی‌پذیرد. بر همین اساس، دولت‌ها تنها در موارد خاص می‌توانند در قراردادها دخالت کنند. عمده دلیل دولت‌ها ذیل دو گروه اهداف اجتماعی و اقتصادی ارزیابی می‌شوند. گاه برای جلوگیری از برهم خوردن نظم عمومی و خدشه‌دار شدن احساسات است و گاه در جهت حفظ کارکردهای اقتصادی - مالی (سماواتی، ۱۳۷۴).

ملاحظات و اصول کلی حقوقی زیر، تعرض به شروط قراردادی غیرمنصفانه را به چالش می‌کشد:

۱) اصل آزادی قراردادها، که طرفین را در یک معامله برای پذیرش هر نوع قرارداد قانونی آزاد می‌داند.

۲) اصل حاکمیت اراده طرفین، که مانع از دخالت اراده‌ی ثالث در توافق و رضای حاصله می‌باشد.

۳) قاعده یا اصل لزوم، که طرفین را به شروط و تعهداتشان پایبند می‌داند و به تعبیر فقهی «المؤمنون عند شروطهم».

۴) قاعده صحت در معاملات.

۵) ماده «۱۰» قانون مدنی راجع به نفوذ قراردادهای خصوصی

۶) ماده «۲۱۹» قانون مدنی در خصوص لازم‌الاتباع عقود بین متعاملین و قائم مقام آنها.

۷) ماده «۲۲۰» قانون مدنی در رابطه با التزام متعاملین به اجرای تصرّحات عقد و نتایج عرفی و قانونی آن.

۸) ماده «۲۲۳» قانون مدنی در تصریح به اصل صحت (صالحی‌راد، ۱۳۹۰: ۱۷۶).

پیشینه نظریه غیرمنصفانه بودن: نظریه غیرمنصفانه بودن برای نخستین بار در قرن هفدهم میلادی مورد توجه دادگاه‌های انگلستان قرارگرفت حتی برخی از حقوق‌دانان معتقدند شواهدی وجود دارد که خاستگاه اصلی این نظریه را به قرن پانزدهم میلادی می‌رساند. چه در انگلستان و چه به دنبال آن در آمریکا، رویه قضایی آغازگر جریان مبارزه با قرارداد و شروط قراردادی غیرمنصفانه بوده است و قانونگذاران به دنبال آن و در جهت پر کردن خلاءهای قانونی و تعیین حدود دخالت دادگاه‌ها وارد این عرصه شده‌اند (شهیدی، ۱۳۸۶).

اولین پرونده‌ای که در کامن‌لا در این خصوص شناسایی شده است، پرونده جیمز علیه مورگان است که در سال ۱۶۶۳ مطرح شده است. هر چند دادگاه در این پرونده با صراحت به قاعده غیرمنصفانه بودن اشاره و استناد نکرده است اما

این رأی مبنای پیدایش این نظریه در کامن لا است. در این پرونده خواهان اعلام کرد که اسبی را از خواننده خریداری نموده و در مقابل آن متعهد شده است که به ازای هر مبلغ نعل اسب تعدادی دانه جو پرداخت کند. مبنای محاسبه این گونه بود که به ازای میخ اول یک دانه جو و در مقابل میخ دوم دو دانه جو، میخ سوم چهار دانه جو و به همین ترتیب برای هر میخ دو برابر میخ پانصد کوارتر که هر کوارتر هم معادل ۷/۱۲ کیلو گرم و در مجموع ۶۲۵۰ کیلوگرم دانه جو می شد که بیش از صد پوند قیمت آن بوده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱: ۲۰). در این پرونده هیأت دادگاه بدون اینکه به معیار غیرمنصفانه بودن با صراحت استناد نماید، نتیجه آن را که تعدیل قیمت قرارداد است به دلیل عدم تناسب عوضین پذیرفته است و به پرداخت قیمت واقعی اسب یعنی فقط هشت پوند رأی داد. در پرونده چسترفیلد^۱، علیه جانسن، قاضی هاردویک در دادگاه انصاف، تفسیری از تقلب ارائه کرد که شامل غیرمنصفانه بودن نیز می شد. تقلب از نظر او عبارت است از «وضعیتی در معامله که از طبیعت و موضوع معامله واضح باشد که هیچ مرد عاقل و فریب خورده ای آن را نمی پذیرد و از طرف دیگر هیچ مرد درستکار و منصفی آن را بر دیگری تحمیل نمی کند» (کاظم پور، ۱۳۹۲: ۳۲).

در حقوق انگلیس، پرونده های زیادی مطرح شده است که به دلیل نابرابری شرایط طرفین، دادگاه ها قرارداد را باطل دانسته اند، به این معنی که یک طرف آنقدر قوی و طرف دیگر آنقدر ضعیف است که به عنوان یک اصل کلی می توان گفت منصفانه نیست که طرف قوی مجاز باشد طرف ضعیف را به دیوار بکوبد (شهیدی، ۱۳۶۸). این بیان بدون تردید یکی از برجسته ترین استثنائات اصل آزادی قرارداد است که گویای ضرورت وجود حداقلی از انصاف و منصفانه بودن

در قرارداد است. دادگاه‌ها در آغاز صرفاً در موارد خاصی مثل قراردادهای واگذاری ارث آینده به استناد غیرمنصفانه و خلاف وجدان بودن از اجرای قرارداد خودداری و از اعمال این اصل به صورت گسترده اجتناب می‌کردند و قانونگذار هم تمایلی به وضع قانونی عام در این خصوص نداشت (امامی، ۱۳۸۶: ۵۸).

مفهوم غیرمنصفانه بودن اولین بار در پرونده شرکت کمپیل سوپ علیه ونز در سال ۱۹۴۸ به طور صریح مورد استفاده قرار گرفت. در این پرونده که طرفین قراردادی در خصوص خرید و فروش هویج منعقد کرده بودند، خوانده متعهد شده بود که هویج را پس از جمع آوری به خواهان تحویل دهد اما به دلیل اینکه قیمت تعیین شده در قرارداد از قیمت بازار در هنگام تحویل آن بسیار کمتر بود، از تحویل هویج خودداری کرد، زیرا قیمت تعیین شده در قرارداد بر اساس هر تن هویج به طور متوسط ۲۳ تا ۳۰ دلار، ولی قیمت هویج در زمان تحویل در بازار به ازاء هر تن ۹۰ دلار بود و خوانده به خواهان اعلام کرد که هویج‌ها را به دلیل این اختلاف قیمت تحویل نمی‌دهد. خریدار دعوای الزام خوانده به تحویل تمام هویج را اقامه نمود (کاظم‌پور، ۱۳۹۲: ۳۳). این دادگاه برای اولین بار معامله غیرمنصفانه را معامله نابرابر تفسیر کرد و اعلام نمود: «معامله غیرمنصفانه به گونه‌ای است. که از یک طرف هیچ مرد عاقل فریب نخورده‌ای آن را انجام نخواهد داد و از سوی دیگر هیچ مرد درستکار عادل آن را نخواهد پذیرفت.» دادگاه در رأی خود با استمداد از مفهوم غیرمنصفانه بودن این گونه استدلال کرد که «طرفی که چنین قرارداد یک جانبه‌ای را پیشنهاد می‌دهد و موفق به انعقاد آن می‌شود حق ندارد از دادگاه تقاضای اجرای آن را بکند. اینکه انصاف، معاملات غیرمنصفانه را الزام آور نمی‌داند، متقن‌تر از آن است که به استدلال‌های پیچیده نیاز داشته باشد».

اقسام غیرمنصفانه بودن: تنوع نابرابری در قراردادها به اندازه‌ای است که نمی‌توان همه آنها را شماره نمود و شاید این کار غیرلازم و بی‌فایده نیز باشد. گونه‌های مخالفی از نابرابری وجود دارند که یا ناظر به روش‌های متنوع تأثیرگذاری در طرف مقابل و وادار کردن وی به انعقاد قرارداد و یا ناظر بر زمان این تأثیرگذاری هستند. جمع‌آوری همه تحت عنوان کلی غیرمنصفانه بودن کمکی به شناخت همه مصادیق آن نمی‌کند از طرف دیگر نبود یک طریق جامع و مانع که راهنمایی برای درک مفهوم و تشخیص مصادیق باشد خلاءهایی است که دادگاه‌ها را در اجرای عدالت با مشکل مواجه می‌سازد، همین موضوع مفسران قانون متحدالشکل تجاری آمریکا را بر آن داشته است که میان غیرمنصفانه بودن شکلی و ماهوی تفاوت گذارند، بدین معنی که گاه شرایط حاکم و اوضاع و احوال و قدرت معاملی طرفین در زمان انعقاد و همینطور نحوه انعقاد آن مورد توجه قرار می‌گیرد و نابرابری‌های موجود در آن ملاحظه می‌شود و گاهی نیز اجحاف و ظلم موجود در محتوای قرارداد موردنظر است. یعنی قرارداد با شرط مندرج در آن در مقابل تعهدی که طرف مقابل برعهده گرفته است، به دلیل گزاف بودن نام غیرمنصفانه بر خود می‌گیرد و موجب می‌شود که ظالمانه و اجحاف آمیز تلقی شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱).

موضوع انصاف تشریفاتی یا عدلت شکلی در مقابل انصاف ماهوی یا عدالت ماهوی مطرح شده است. منظور از انصاف تشریفاتی یا عدالت شکلی، رعایت انصاف در جریان مذاکرات مربوط به تشکیل قرارداد است. از نظر این دیدگاه، کارکرد حقوق این است که عدالت و انصاف در زمینه‌های شکلی و تعادل طرفین در جریان انعقاد قرارداد، رعایت شود (امامی، ۱۳۷۸)؛ یعنی اگر در جریان انعقاد قرارداد عدالت شکلی و انصاف تشریفاتی رعایت شود، منصفانه بودن نتیجه و عادلانه بودن آن چندان اهمیتی ندارد، بلکه در هر صورت فرض می‌شود که نتیجه

عادلانه و منصفانه است؛ زیرا در صورتی که طرفین در یک وضعیت متعادل قرار گیرند، خود می‌توانند مطلوبیت قرارداد و انعقاد قرارداد یا عدم انعقاد آن را ارزیابی کنند و در نتیجه نمی‌توان به بهانه غیرمنصفانه نتیجه، در قرارداد دخالت کرد. ولی برعکس اهداف ماهوی یا عدالت ماهوی که در این نظریه مطرح شده است، ناظر بر نتیجه قرارداد و ارتباط آن با انصاف و عدالت است (کاظم‌پور، ۱۳۹۲).

جایگاه شروط غیرمنصفانه در قراردادهای داخلی: غبن را در باب معاملات، به هم خوردگی تعادل ارزش عوضین به ضرر یکی از عاقدین می‌دانند، بدون اینکه متضرر، به آن رضا داده باشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۳: ۱۹۶). پیش‌بینی «خیار غبن» برای مغبون در فقه، نشانگر اهمیت برقراری «عدالت معاوضی» و حمایت از طرف ناآگاه می‌باشد. همین اهداف کما بیش در خصوص جلوگیری از نفوذ شروط غیرمنصفانه نیز مشهود است. از این رو شاید بتوان با وحدت ملاک قرار دادن خیار غبن، به هنگام خلأ قانونی، در جهت برقراری عدالت گام برداشت. بدین جهت، بررسی شرایط تثبیت خیار غبن و مقایسه آن با شروط غیرمنصفانه لازم می‌نماید.

✓ رکن «فاحش بودن» غبن در معامله، همان معیار «عدم تعادل جدی در حقوق و تعهدات طرفین» و «گزارف بودن شرط غیرمنصفانه را یادآور می‌شود».

✓ ملاک عرفی غبن فاحش در ماده «۴۱۷» قانون مدنی را نیز می‌توان در مورد شرط غیرمنصفانه محقق دانست.

اما آن چه ایجاد مشکل می‌نماید، ضرورت ناآگاهی مغبون از ارزش واقعی مورد معامله می‌باشد. اگرچه «مورد مذاکره قرار نگرفتن شرط غیرمنصفانه به‌طور مستقیم» در تعریف شرط غیرمنصفانه دخیل بوده، اما نمی‌توان گفت که خریدار از وجود چنین شرطی آگاه نبوده است. ثانیاً، «عدم آگاهی» شرط تحقق خیار غبن است در حالی که «عدم مذاکره مستقیم راجع به شرط غیرمنصفانه» تنها یک ضابطه کمکی

در راستای تشخیص این شروط می‌باشد. لذا به نظر نمی‌رسد که تمسک به غبن گره‌گشا باشد، خصوصاً اینکه اسقاط خود خیار غبن ولو فاحش را نیز می‌توان به حکم ماده «۴۸» قانون مدنی، ضمن عقد شرط نمود که در این صورت نقض غرض محرز می‌باشد (شریف، ۱۳۷۷).

قاعده «لاضرر» و شروط غیر منصفانه: قاعده لاضرر در زمره‌ی پر استنادترین قواعد فقهی قرار دارد. اگر چه برخی مولفین گفته‌اند که هر حق قراردادی یکی از متعاقدين که موجب ضرر غیر متعارف به طرف قرارداد شود، توسط قاعده لاضرر قابل تعدیل است، اما دقت در مواردی که این قاعده مستندالیها قرار گرفته است، نشان می‌دهد که چه در فقه و چه در آرای محاکم هیچگاه دلیل منحصر به فردی محسوب نشده است و همیشه در کنار مواد قانونی و سایر ادله فقهی مورد استفاده قرار گرفته است. این که در ما نحن فیه امکان استناد به قاعده لاضرر فراهم باشد، محل تردید است. به عقیده «شیخ انصاری» «لزوم بیع ضرری» را می‌توان با این قاعده مرتفع ساخت و قائل به پیدایش خیار فسخ شد (کریمی، ۱۳۹۰).

روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش، از روش کاربردی و از نوع اسنادی - کتابخانه‌ای استفاده شده است و در ادامه، برای جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز از ابزارهایی مانند؛ فیش‌برداری و کسب نظرات اساتید دانشگاهی و مقامات قضایی مشغول در امر قضا استفاده شده است، همچنین، در ادامه برای تجزیه و تحلیل داده‌های به‌دست آمده از روش توصیفی - تحلیلی بهره‌گرفته شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

با گسترش فعالیت‌های تجاری در کنار توسعه‌ی فعالیت‌های اقتصادی و بازرگانی، قوانین نیز برای پاسخگویی به این فعالیت‌ها، پیشرفت چشمگیری داشته‌اند. یکی از

این بخش‌هایی که توسعه‌ی بسیار چشمگیری داشته است، نحوه‌ی شکل‌گیری قرارداد بوده است. در نظام حقوقی کنونی، به دلیل تسهیل و سرعت بخشیدن در قرارداد از فرم‌های استاندارد از پیش فراهم شده و به اصطلاح از عقودالحاقی استفاده می‌شود. در واقع می‌توان گفت غالب قراردادهای کنونی به این صورت است و دیگر در قراردادهای منعقد شده، مذاکره و به تبع آن، تراضی به معنای واقعی خودش صورت نمی‌پذیرد. در این شرایط نظام‌های حقوقی با دو رویکرد روبه رو می‌شوند. احترام به آزادی اراده‌ها. آنچه که نظام‌های حقوقی کنونی به آن رسیده‌اند، این است که اعتبار بخشیدن به حاکمیت اراده‌ها اگرچه به مصلحت طرفین قرارداد است، ولی خودش موضوعیت ندارد؛ بلکه تا جایی باید معتبر شناخته شود که به عدالت قراردادی منتهی گردد. در این صورت، قانونگذار باید به نفع طرف ضعیف قرارداد در عقد وارد شود و شروطی را که غیرمتعارف و غیرمعقول هستند را حذف یا تعدیل کند.

در تبیین جایگاه «شروط غیرمنصفانه» در حقوق ایران، دریافتیم که مفاهیم کلی و آرمانی نظیر «انصاف» و «عدالت» نمی‌توانند در جهت مقابله با این شروط مؤثر واقع شوند و استفاده از «قاعده لاضرر» و وحدت ملاک ماده «۴۶» قانون تجارت الکترونیکی و همچنین «خیارغبین» نیز ممتنع می‌باشند. از طرف دیگر با توجه به اصولی نظیر آزادی قراردادهای، حاکمیت اراده طرفین، اصل صحت و اصل لزوم، شروط غیرمنصفانه در معنای حقوقی خود «صحیح» می‌باشند، هرچند که مورد تأیید اخلاق و انصاف نباشند. برای برون رفت از این بن‌بست می‌توان پیشنهاد داد، اولاً دادرسان به هنگام مواجهه با شروط غیرمنصفانه به مقتضای رسالت قضایی خویش در جهت تحقق حداکثری عدالت، نهایت کوشش و مساعی خویش را به کار بندند و ضمن رعایت کلیه موازین حقوقی با ظرافت در استدلال حتی‌الامکان

از به بار آمدن نتایج غیرعادلانه جلوگیری کنند. البته، این امر به مثابه شمشیری دو لبه است، زیرا مقابله با این شروط نباید دستاویزی برای تجاوز به آزادی و اراده ی طرفین قرار گیرد. تکلیف قاضی به رعایت عدل و انصاف در قانون نیز تجلی دارد. ماده ۵۷۱ قانون تجارت در خصوص اعاده اعتبار تاجر ورشکسته بیان می‌دارد، «در مورد ماده ۵۶۵ محکمه اوضاع و احوال را سنجیده به طوری که مقتضی عدل و انصاف بداند حکم می‌دهد...» ثانیاً بر قانونگذاران است که این خلأ قانونی را رفع نموده و همچون کشورهای دیگر با ضرورت درک حمایت از مصرف کننده، به وضع قوانین کارآمد پردازد. ذکر این نکته نیز ضروری است که افراط در حمایت از مصرف کننده و ایجاد مسئولیت‌های بیشتر برای تولیدکننده در نهایت منجر به کاهش تولید کالا و خدمات و افزایش هزینه‌ها برای مصرف کننده می‌شود، لذا تعریف شرط غیرمنصفانه و مقابله با آن باید محدود و مضیق باشد.

اصل حاکمیت اراده در کلیه نظام‌های حقوقی اصلی محترم و غیرقابل انکار می‌باشد که قصد و اراده را منبع هر حق و تکلیف می‌داند. از نتایج این اصل در حقوق تعهدات و قراردادهای، اصل آزادی قراردادی با نتایج انعقاد قرارداد و آثار آن، کافی بودن تراضی در انعقاد قرارداد، عدم لزوم تشریفات خاص و الزام طرفین به رعایت مفاد قرارداد می‌باشد به طوری که احترام به اعمال حقوقی و قراردادهایی که اشخاص با اراده آزاد و از روی اختیار برای نیل به اهداف و مقاصد و نیازهای خود منعقد می‌کنند به عنوان اصل حاکم پذیرفته شده است؛ زیرا این امنیت، نظم و همکاری در جهت رسیدن آرمان اجتماعی عدالت خواهی در گروه تصمیم‌گیری در خصوص اشکال، مفاد و نتایج قراردادی توسط طرفین حاضر در قرارداد می‌باشد و این امر صرفاً در پرتو آزادی قراردادی به بهترین وجه تأمین می‌شود. البته، این آزادی باید با اراده و از سوی اختیار شکل گیرد. از این روی اگر قرارداد در نتیجه اجبار، اکراه، اشتباه، اعمال نفوذ ناروا منعقد شود معتبر نبوده و دادگاه می‌تواند در

آن دخالت کند. بنابراین واقعیات عمل زندگی اجتماعی و حقوقی انتقادات بر اصل آزادی قراردادهای و افزایش بی‌شمار قراردادهای خاصی همراه با انقلاب صنعتی مانند قراردادهای استاندارد و الحاقی که شروط غیرمنصفانه را به طرف ضعیف تحمیل می‌کرد، به گونه‌ای که دادگاه‌ها و قانونگذار را جهت اعمال انصاف و عدالت در قراردادهای سوق داده. دلیل عدم تعادل بین حقوق و تعهدات و تکالیف طرفین قرارداد به خاطر عدم تعادل و توازن بین ارزش عوضین مورد معامله که طرفین قرارداد با علم، اختیار و توافق به آن قراردادهای تجاری در عرصه بین‌المللی تعیین می‌کرد نبود. این عدم تعادل بین حقوق و تعهدات بیشتر در قالب شروط غیرمنصفانه در قراردادهای تجاری بین‌المللی که طرف قوی (تولید کننده، عرضه‌کننده یا فروشنده) به طرف ضعیف (مصرف کننده) ارائه می‌کرد و حق مذاکره، تغییر و تعدیل این شروط را نیز از او سلب می‌کرد و مصرف‌کننده نیز براساس نیاز ضرورت خود بالاجبار آن را قبول می‌کرد و در صورت عدم قبول در مشقت و سختی قرار می‌گرفت ناشی می‌شد.

بنابراین، با عنایت به پذیرش اعتبار شروط رفع و کاهش مسئولیت در حقوق ایران به دلایل ذکر شده از جمله عدم تصریح قانونگذار به اثر بطلان این شروط در قانون مدنی به‌ویژه مواد ۲۳۲ و ۲۳۳ قانون مدنی و قانون تجارت و مقررات دیگر و اخلاق حسنه و نظم عمومی و استثنائات تقصیر عمدی و سنگین و ضربه اشخاص به نظر می‌رسد با اهمیت وافر و غیرقابل انکار این شروط نسبت به قراردادهای تجاری و تعادل بین تعهدات تجارگذر از آن به سادگی و بدون فهم واقعی نتایج آن‌ها در زندگی اجتماعی و قراردادی موجب تخطی، اجحاف و تجاوز به حقوق خریداران با قدرت اقتصادی پایین بویژه مصرف کننده خواهد شد. همچنین، شروط احصا شده عرصه تجارت بین‌الملل سال‌ها تلاش و مبارزه با

نارسایی‌ها و معضلات مربوط به واقعیات و نیازهای عملی تجار بوده است و قوانین مرتبط با شروط غیرمنصفانه در قراردادهای تجاری با قبول و پذیرش این معضلات ناروایی‌ها و فشارهای تحمیلی به مصرف‌کنندگان، اقدام به معتبر ندانستن، حذف و تعدیل چنین شروطی در قراردادهای تجاری جهت برقراری تعادل نموده است.

با این وجود، نقش انصاف عدالت را در ارزش‌ها و عوضین قراردادهای تجاری در مقابل اثر واقعی آن برهر گونه سوءاستفاده و تحمیل‌های تجار(فروشنندگان و عرضه‌کنندگان) بین‌المللی حرفه‌ای از موقعیت اقتصادی خود با از بین بردن مسئولیت ناشی از تکالیف و تعهدات و افزایش حقوق و منافع خود و در مقابل اجحاف به مصرف‌کنندگان و سلب حقوق آنان تأکید فراوان دارد. حقوق ایران نیز نسبت به شروط رفع و کاهش مسئولیت تجار(فروشنندگان و عرضه‌کنندگان) نکته‌ای تصریح شده در مقررات بین‌المللی بیگانه و آشنا نیست، اما همانند موضوعات دیگر با رکود و کمبودها و ناکامی‌ها مواجه است و تداعی در ذهن است که تمام حقوق گام به گام با نیازها و رشد جامعه حرکت نمی‌کند. حقوقی که پنجه در ریشه و منشأ انصاف و عدالت ذاتی دارد بایستی هر گونه اضرار به دیگری و سوءاستفاده را دفع کند، اما با نگاهی به قوانین و مقررات موجود مشخص می‌شود که حقیقت چیز دیگری است. ایجاد تعادل بین اقشار مردم و شهروندان جامعه و جلوگیری از فزونی حقوق و اموال قشر خاصی از مردم به تبع سلب تکالیف خود و افزایش تعهدات دیگری و نزول و افول حقوق قشر نیازمند بویژه با حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان آرمان آحاد مردم و قانونگذاری است. آرمان‌هایی که ریشه در حقانیت برقرار انصاف و عدالت دارد و پشت کردن و نادیده گرفتن آنها به هیچ نحو قابل استدلال و مورد قبول نیست. بنابراین، با توجه به یافته‌های حال از این پژوهش آنچه از بررسی‌ها و مطالعات کتابخانه‌ای

به دست آمده با تحقیقاتی که در این زمینه انجام شده است همسو می‌باشد و این تحقیقات در پی برطرف نمودن شرایط غیرمنصفانه و ایجاد عدالت می‌باشند. در رابطه‌ی با شروط غیرمنصفانه در قرارداد، در اکثر کشورها ضرورت مقابله‌ی با آن احساس، قوانینی وضع و ضمن شناسایی کامل این شروط و تعیین ملاک و معیار برای تفکیک آن از وضع‌های مشابه، ابزار قانونی لازم برای مقابله با آن نیز در اختیار دادرس قرار گرفته است. در ایران نیز به مانند سایر کشورها اکنون ضرورت مقابله با شروطی که محتوای غیرمنصفانه دارد، به خوبی احساس می‌شود، در صنایعی همچون خودروسازی علی‌رغم حضور چند شرکت وابسته‌ی دولتی، انحصار به خوبی احساس می‌شود و نابرابری طرفین قرارداد، ضرورت، نیاز اجتماعی و تقاضا برای خرید نیز مشهود است و به جرأت می‌توان گفت که در این قراردادهای از پیش تعیین شده، حداقل یک شرط غیرمنصفانه در آن دیده می‌شود.

ماده ۴۶ قانون تجارت ایران صراحتاً از عدم تاثیر شروط غیرمنصفانه در قرارداد سخن گفته است و حداقل در خصوص قراردادهای حوزه‌ی تجارت الکترونیک) که امروزه معاملات زیادی از این طریق انجام می‌شود(این قانون کاملاً شفاف است و از این طریق دادرس می‌تواند به مقابله با شروط غیرمنصفانه بپردازد؛ به این معنی که وجود این ماده می‌تواند مستندی برای شناسایی شروط غیرمنصفانه و صدور حکم در جهت ابطال یا تغییر در شروط یک قرارداد قرار گیرد و از این طریق می‌توان به آنچه از عدالت قراردادی مدنظر است، دست یافت. اما در خصوص قابلیت تسری این ماده به سایر عقود اگرچه با توجه مواد ۱ و ۴۷ قانون تجارت الکترونیک که قلمرو مواد این قانون را به مبادلات الکترونیکی محدود کرده است و اصول حاکمیت اراده و لزوم عقود و با توجه به مواد ۲۳۲ و ۲۳۳ ق.م.ک شروط باطل و مبطل را تحدید کرده و همچنین رعایت مصلحت نظم و انضباط

معاملاتی که ما را بر آن می‌دارد که به قدر متیقن موارد بطلان اکتفا کنیم، در نگاه اول این نتیجه حاصل می‌شود که ماده ۴۶ ق.ت.ا قابلیت تسری به سایر عقود را ندارد، اما به نظر می‌رسد در جایی که شروط غیرمنصفانه آشکارا مصداق قاعده لاضرر و سوء استفاده از حق باشد، بتوان بر اساس آنچه که در تبیین مبنای لاضرر گفته شد، از اجرای اینگونه شروط در سایر قراردادها جلوگیری نمود. مضافاً اینکه توسل به قاعده لاضرر و سوء از حق با عدالت قراردادی و حمایت از طرف ضعیف قرارداد نیز سازگار می‌باشد. اگرچه نظر مخالف نیز خالی از وجه نمی‌باشد. باید توجه به این امر که روند قانونگذاری در کشور ما نیز به مانند سایر کشورها، خود موید این موضوع است که همیشه قانونگذار چند گام عقب‌تر از واقعیت‌های موجود در جامعه اقدام به تصویب قوانین نموده است؛ به این معنی که همیشه یکسری ضرورت‌ها در جامعه احساس می‌شود که در مورد آن قانونی وجود ندارد و قضات در جهت شناسایی این ضرورت، اقدام و آرائی صادر می‌نمایند که نهایتاً موجب ترغیب قانونگذار به تصویب قانونی مناسب در آن زمینه می‌شود. بنابراین در جهت انجام بهتر موضوعات مطرح شده تعدادی پیشنهاد ارائه می‌گردد:

- با وضع مقرراتی از تشکیل قرارداد تجاری حاوی شروط غیرمنصفانه جلوگیری و در صورت تشکیل آن را ابطال کند و هزینه ایجاد قرارداد و خسارت‌های حاصل از آن به صراحت برتحمیل‌کننده شروط غیرمنصفانه اعمال شود.
- برای جلوگیری از اعمال شروط غیرمنصفانه در قراردادهای تجاری در عرصه بین‌المللی قراردادهای مزبور بر اساس حقوق تجارت بین‌المللی صورت می‌گیرد.
- در صورت صحت قراردادهای تجاری بین‌المللی و در صورت درج شروط غیرمنصفانه که ناشی از قصد طرفین نباشد شروط غیرمنصفانه در قرارداد را تغییر دهند.

منابع

- امامی، سید حسن (۱۳۸۳)، حقوق مدنی، انتشارات اسلامیه.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۸۰)، ترمینولوژی حقوق، تهران، انتشارات گنج دانش. چاپ یازدهم
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۸۶)، ترمینولوژی حقوق تهران، انتشارات گنج دانش.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۹۰)، فلسفه ی حقوق مدنی جلد اول، تهران، انتشارات گنج دانش.
- سماواتی، حشمت ا...، (۱۳۷۴)، حقوق رقابت تجارت. ی تهران، انتشارات فردوسی.
- شهیدی، مهدی، (۱۳۸۶)، آثار قراردادها و تعهدات تهران، انتشارات مجد.
- شهیدی، مهدی، (۱۳۸۸)، (الف)، تشکیل قراردادها و تعهدات تهران، انتشارات مجد.
- شهیدی، مهدی، (۱۳۸۶)، (ب)، اصول قراردادها و تعهدات. تهران، انتشارات مجد. ۳۸
- شیروی، عبدالحسین، (۱۳۸۱)، قراردادهای استاندارد در حقوق کامن لا، قم، مجله مجتمع آموزشی عالی، شماره ۱۲
- شیروی، عبدالحسین، (۱۳۸۹)، حقوق تجارت بین الملل تهران، انتشارات سمت.
- صالحی راد، محمد، (۱۳۹۰)، آئین نگارش آراء قضایی تهران، انتشارات مجد.
- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۴)، (ب)، مسئولیت ناشی از عیب تولی د تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۵)، قواعد عمومی قراردادها جلد سوم، تهران، انتشارات شرکت سهامی انتشار.
- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۶)، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران تهران، انتشارات سهامی انتشار.
- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۷)، (ب)، گامی به سوی عدالت. جلد سوم، تهران، انتشارات میزان.
- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۹۰)، قواعد عمومی قراردادها جلد چهارم، تهران، انتشارات شرکت سهامی انتشار.

کاتوزیان، ناصر، و عباس زاده، محمد هادی، (۱۳۹۲) « حسنیت در حقوق ایران » فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۴۳، شماره ۳، صص ۱۶۷-۱۸۶. کاظمپور، سید جعفر، (۱۳۹۲)، راهکارهای حمایت از طرف ضعیف قرارداد. تهران، فکرسازان.

کریمی، عباس، (۱۳۹۰) مطالعه ی تطبیقی بین حقوق ایران و فرانسه در خصوص حق موضوع سوء استفاده در حقوق قراردادها، حقوق مدنی تطبیقی، به قلم گروهی از نویسندگان، تهران، انتشارات سمت.

مکین، محمد (۱۳۸۵) شرایط عمومی قراردادهای تجاری بین المللی، تهران، چاپ سوم منافی، شهرام (۱۳۸۲) بررسی تطبیقی نظریه غیر منصفانه بودن قراردادها در حقوق انگلیس و ایران، نامه کارشناسی ارشد، مجتمع آموزشی عالی قم.

